

## جنگ و اشغال عراق در آینه واقعیات حمید قربانی - آبان 85

به نقل از به پیش

به نقل از به پیش! 17 25 آبان 1385، 14 نوامبر 2006  
حدود سه سال و نیم از آن هنگام که با قرار گرفتن بر عرشه ناو غول پیکر جنگی آبراهام لینکلن، جورج بوش پسر ملبس به لباس خلبانان نیروی هوایی، رو به سربازانش، با غرور فوق العاده ای، مژده پیروزی و پایان جنگ رامی داد. و آنها را به مهمانی بوقلمون دعوت می نمود میگذرد ولی حال با یک نظر به واقعیات جنگ و اشغال عراق و به اعتراف خود بوش و دیگر اعضای تیم نظامی- سیاسی هئیت حاکمه آمریکا؛ شکست آن سیاست دارد در انظار جهانیان خود را نشان می دهد. آزاد کنندگان در پشت منطقه سبز در بغداد پناه گرفته اند و از آن جا موشک، بمب های فسفوری، چوخه های مرگ و نیستی به سراسر کشور گسیل می دارند. از آمریکا سلاح و وسائل مرگ و دلار وارد عراق می کنند و جنازه تکه پاره شده سربازان، این بخت برگشتگان و قربانیان سرمایه را به آمریکا صادر می کنند.

نتیجه\* یک آمار نشان از آن دارد که از آغاز جنگ آمریکا و متحدینش بر علیه عراق و اشغال آن تا کنون 650000 نفر از مردم غیرنظامی کشته شده اند. این رقم را محققین امراض اپیدمی دانشگاه Johns Hopkins آمریکا و دانشگاه al Mustansiriyya بغداد به نقل از نشریه پزشکی انگلیسی لاسنت در لندن اوائل ماه اکتبر اعلام کرده اند. آنها همچنین خبر دادند که از هر 1000 نفر در سال 13/2 نفر کشته شده اند که این رقم در زمان حکومت حزب بعث و صدام حسین 5/5 نفر بوده است. تنها در ماههای جولای و آگوست طبق اعلام سازمان ملل متحد بیش از 6600 نفر عراقی کشته شده اند.

اخیرا جورج بوش در یک مصاحبه اعلام کرد که: "عراق دارد به ویتنام دیگری تبدیل می گردد" و "ما در عراق با تکبر و احمقانه رفتار کردیم". هر روز بر روی صفحه تلویزیونها می بینیم که چطور گروه گروه بر اثر انفجار بمب ها ، درگیری بین تروریست های فرقه های مختلف مذهبی-ناسیونالیستی و نیروهای آموزش دیده سیا و دولت آمریکا و دولت دست نشانده آنها در بغداد، قطعه قطعه می گردند. در ماههای اخیر بر تعداد کشته شدگان ارتش آمریکا نیز افزوده شده است. در همین ماه اکتبر بیشتر از 100 نفر از نیروهای آمریکائی کشته شده اند . تازه ترین آمار ها حاکی از آن است که فقط 20 درصد از مردم آمریکا از جنگ در عراق حمایت می کنند.

فشار های ناشی از این جنگ و تأثیرات آن بر واقعیات خود جامعه آمریکا ، گسترش و عمیقتر شدن نارضایتی ها ، مبارزات مردمی بر علیه جنگ، فعالیت جنبش ضد جنگ، نزدیکتر شدن موعد انتخابات میان دوره ای 2 مجلس نمایندگان و سنای این کشور و احتمال از دست دادن سلطه جمهوریخواهان بر آنها، بوش و دیگر اعضای هئیت حاکمه را به دست و پا و تناقض گوئی انداخته است. هرچند بوش نمی خواهد و نمی تواند واقعیات را بپذیرد ، ولی سببه واقعیت پر زور است. او اعلام آمادگی می کند که با هر گروه تروریستی به جز القاعده آماده مذاکره است. حتی وضع طوری است که به دولت خود نشانده اش در بغداد، قبل از شروع مذاکرات رسمی فشار می آورد که عفو عمومی اعلام کند. اوضاع در انگلیس متحد آمریکا هم اگر بدتر نباشد، بهتر نیست.

جنگ عراق خارج از این کشتار توده ای، تأثیرات فوق العاده وحشتناکی بر زندگی مردم گذاشته است. بر طبق گفته وزیر امور مهاجرت عراق 250 هزار نفر بی خانمان شده اند. در ماه ژوئن سازمان امور پناهندگان سازمان ملل اعلام کرده است که 18 هزار نفر از بغداد گریخته اند. جاناناتان پارفری رئیس قسمت لوس آنجلس سازمان پزشکی برای مسئولیت اجتماعی در این رابطه می گوید: "جنگ عراق در پائین آوردن شرایط زندگی تأثیر فوق العادی گذاشته است." بر طبق اخبار و گزارشات منتشر شده، مرگ و میر ، بویژه در میان کودکان رشد چشمگیری نموده است بطوریکه سازمان بهداشت جهانی وابسته به سازمان ملل متحد اعلام می کند که مرگ و میر در میان کودکان 2 برابر زمان صدام حسین شده است.

بیماریهای قلبی و ریوی، روانی و افسرده گی بعلت آلودگی هوا و محیط زندگی مردم به مواد شیمیائی حاصل از انفجارات و آتش سوزیهای انبار سلاح و مهمات و محیط نا امن زندگی رشد فوق العاده ای کرده اند. همچنین بیماریهای گوارشی و روده ای بعلت کمبود آب آشامیدنی بهداشتی و کمبود و بدی مواد غذائی، زندگی را بر مردم عراق جهنم کرده است.

- از طرف دیگر چاپیدن و سرکیسه کردن مردم و غارت معادن مانند نفت و سرازیری آن به کیسه شرکت های بزرگ آمریکائی و دادن سهمی به مزدوران محلی شان رواج بیسابقه ای یافته است. علی علاوی وزیر سابق دارائی عراق در گفتگویی با خبرنگار تلویزیون سی بی اس اشاره به این دارد که گویا از مبلغ 1 میلیارد و 200 میلیون دلاری که برای خرید تجهیزات جدید ارتش در نظر گرفته شده تنها 400 میلیون آن خرج شده و بقیه را خودشان به جیب زده اند.

براستی رهائی مردم عراق از این وضعیت چگونه ممکن است؟ آیا هنوز هم می توان به دموکراسی نیروهای آمریکائی و متحدینش امید بست آنگونه که برخی از گروهها بدان پشت بسته اند؟ یا به نیروهای تروریست اسلامی که از گور تاریخ برخاسته اند و از بیزاری و نفرت به حق مردم زجر دیده و ستم دیده منطقه از یورش سرمایه به جان و حثیت و کرامت انسانی شان سوء استفاده می کنند و آنها را با بستن بمب به مسلخ نیستی و نابودی می فرستند میتوان دخیل بست؟ رهائی مردم عراق، افغانستان، فلسطین و ایران از کشتار، زجر، ستم و استثمار سرمایه دارانه و سلطه شوم اسلامیون ضد هر آنچه که بوئی از انسانیت برده است، فقط و فقط با تجمع یافتن کارگران و زحمتکشان در تشکل های توده ای- طبقاتی شان و هدایت جانعه با تکیه بر آن میسر است و گرنه هر روز که به گذرد، زندگی بدتر و دهشتناکتر خواهد شد. باید این را هم دانست که زشتی را نهایتی نیست. بربریت و سوسیالیسم هر دو محتملند و هیچ چیز محتوم نیست. این یا آن به ما انسانهای زنده بستگی دارد. اتحاد و آگاهی طبقاتی کارگران و تشکل یافتن و پیشبرد مبارزه طبقاتی بر علیه سرمایه تعیین کننده است و نه هیچ چیز دیگر.

مترو روزنامه سوئدی- 21 اکتبر 2006